

## درباره شکل‌های سازمان‌یابی عمودی و افقی

### حشمت محسنی

بحث در باره نوع و چگونگی سازمان‌یابی چه در سطح حزبی و چه در گستره‌ی جنبش، یکی از موضوع‌هایی است که در شرایط کنونی از فعلیت برخوردار است و به یک رویکرد روشن و اثباتی نیاز دارد. از این رو در این نوشته تلاش می‌کنم به چند نکته در این باره اشاره کنم.

1- شکل‌های سازمان‌یابی پیوند وثیقی دارند با مضمون فعالیت‌هایی که هر تجمع و تشکل، به آماج خود تبدیل می‌کند. این شکل‌ها در این یا آن شرایط و در این یا آن مرحله از پیکار سیاسی تغییر می‌کنند و تحول می‌یابند. چنان‌که مضمون‌های فعالیت یک تجمع و تشکل امری ثابتی به شمار نمی‌روند.

2- شکل‌های سازمان‌یابی به نوبه‌ی خود امری خنثی و منفعل نیستند، و به سهم خود می‌توانند به مضمون فعالیت ترنم ببخشند یا آن را کژدیسه سازند. هر مضمون فعالیت‌ی- چه حزبی و چه معطوف به جنبش اجتماعی- به شکل سازمان‌یابی خاص خود نیاز دارد و در هر قالب سازمانی نمی‌تواند ظرفیت‌های خود را متحقق کند؛ معه‌ذا فراتر از حد معینی، شکل‌های سازمان‌یابی به خودی خودی نباید مورد ستایش قرار گیرند و به امری جادوواره تبدیل شوند. هر شکلی از سازمان‌یابی به درجه‌ای که به شکوفایی فعالیت خدمت می‌کند درخور اعتنا و ستایش است.

3- ایستار مارکسیستی- برخلاف رویکرد آنارشیستی- به تنوع در اشکال سازمان‌یابی قایل است و بنابراین از هر نوع تقابل مصنوعی بین این اشکال اجتناب می‌ورزد. چنان‌که آماده است در هر شرایط متحول از پیکار سیاسی اشکال سازمان‌یابی را دگرگون سازد. سازمان‌دهی عمودی یا افقی در این آرایش فکری، آن شکل‌هایی از سازمان‌دهی اند که هر کدام از قدر و منزلت خود برخوردارند و تحت هیچ شرایطی به نفع یکی و به ضرر دیگری نمی‌انجامند. به سخن دیگر یک شکل از سازمان‌دهی مطلق و آرمانی نمی‌شود، یا مطابق مد روز به تنهایی به یک امر رهایی بخش ارتقاء پیدا نمی‌کند.

4- سازمان‌دهی عمودی بر مولفه‌های نهاد مرکزی و واحدهای پایه استوار است. در این نوع از سازمان‌دهی، نهادهای مرکزی می‌توانند همچون رهبر و فرماندهی واحدهای پایه عمل کنند و از اقتدار بیش‌تری نسبت به بدنه‌ی تشکل برخوردار باشند. خطاست هرآینه این شکل ساختاری را تنها آرایش ممکن برای سازمان‌دهی عمودی قلمداد کنیم. نهاد مرکزی می‌تواند به مثابه‌ی هماهنگ‌کننده‌ی فعالیت آحاد یک تجمع عمل کند و از نقش و اختیاری بر فراز سر توده‌ی اعضای خود برخوردار نباشد و اراده‌ی خود را از پایه‌ی خود اخذ کند و نسبت به آن پاسخگو باشد. یا به قول انگلس "سراپا دموکراتیک، با کمیته‌های انتخابی و در هر زمان قابل تغییر" باشد. سازمان‌دهی افقی بنا به تعریف ساختاری بی‌مرکز است و فعالیت واحدها و اجزای آن بر مبنای توافق صورت می‌گیرد. این شکل از سازمان‌دهی نیز می‌تواند دارای

نکات مثبت و در عین حال از ضعف خاص خود برخوردار باشد. از جمله این کاستی‌ها می‌توان به پراکندگی، دوباره کاری و حتی خنثی کردن فعالیت واحدهای دربرگیرنده خود اشاره کرد. سازمان‌دهی عمودی صرفاً به تشکل‌های حزبی اختصاص ندارد و در تشکل‌های توده‌ای نیز می‌توان آن را به کار بست. وانگهی سطحی از سازمان‌دهی افقی و عدم تمرکز را می‌تواند در سازمان‌های چریکی ملاحظه کرد. این شکل‌های سازمان‌دهی در زندگی واقعی و شرایط خاصی از مبارزه می‌تواند به نحو ترکیبی و تلفیقی جلوه پیدا کند.

5- سازمان‌دهی عمودی در این روایت به خودی خود، به بوروکراسی و به یک روش اداره‌ی آمرانه تبدیل نمی‌شود، هر آینه اگر نهادهای هماهنگی این نوع سازمان‌یابی، از خصلتی پاسخ‌گو برخوردار بوده، و به انتخاب دوره‌ای و اصل فراخوانی مقید شود. هیچ راز سر به مهوری در این روش از سازمان‌یابی وجود ندارد که به طور خودبه‌خودی به یک "قانون آهنین الیگارشی" تبدیل شود. عصر سازمان‌یابی عمودی، آمرانه، از بالا به پایین، غیر پاسخ‌گو، با نهادهای مرکزی دایمی به پایین رسیده است. این نوع از سازمان‌یابی به هر دلیل و هدفی که اتخاذ شود، نه تنها به هدف‌های خود دست نمی‌یابد، بلکه فراتر از آن به انفعال اعضای خود دامن می‌زند و ابتکار آن‌ها را نابود می‌سازد.

6- در پاسخ به این تجربه منفی، گزایشی دیده می‌شود که شکل افقی و شانه‌ای سازمان‌یابی را به عنوان تنها شکل تشکیلاتی برای همه‌ی عصرها و سطح‌های فعالیت در همه‌ی لحظه‌های پیکار سیاسی تجویز می‌کند و در عمل به تقابل بین اشکال سازمان‌یابی در می‌غلطد.\* چنین رویکردی در قبال سازمان‌یابی، نه منعطف و متنوع، بلکه صرفاً به یک الگوی تشکیلاتی محدود می‌ماند. این گرایش واکنشی و ارونه در قبال سازمان‌یابی عمودی از بالا به پایین است و یک جمع‌بند انتقادی نادرست از این مدل به شمار می‌رود. اگر گرایش سازمان‌یابی بوروکراتیک به انجماد ابتکار اعضای یک تجمع می‌انجامد، گرایش افقی از هماهنگی و تمرکز نیرو و گذار به شکل عمودی فعالیت همچون امری حیاتی در "روز قطعی جدال" تن می‌زند، و شیفته‌ی روش افقی فعالیت خود باقی می‌ماند. ضرورت سازمان‌یابی عمودی اولاً از این حقیقت بر می‌خیزد که هر تشکیلاتی اگر از حد معینی بیشتر گسترش یابد، ناگزیر است از میان خود نمایندگانی انتخاب کند و سطح دیگری از سازمان‌دهی را تعبیه کند تا به یک نظر قطعی برای اقدام دست یابد، تا بتواند در نبرد به شیوه‌ی هماهنگ عمل کند. ثانیاً در شرایط مبارزه‌ی تهاجمی، بدون تمرکز نمی‌توان حمله موفقیت‌آمیزی را سازمان داد؛ به قول کلاوزویتز اگر مبارزان عرصه نبرد بخواهند هدف و آماج بنیادی استراتژی را به طور فردی و ذهنی تفسیر و تعیین کنند، این امر معنایی جز از هم گسستن زنجیره اراده‌ی جمعی ندارد. ثالثاً اگر سازمان‌دهی افقی برای حفظ رهبران در شرایط سرکوب، یا مبارزه در شرایط تدافعی با خصلت نفی نظام‌های استبدادی انطباق دارد، سازمان‌دهی عمودی برای مبارزه با خصلت اثباتی و بدیل مناسب‌تر است. رابعاً سازمان‌دهی عمودی برای مبارزه طولانی، پیوسته و با خصلت ایجابی یا، به سخن دیگر، برای تدارک و تکوین و نقش‌آفرینی، نه به مثابه‌ی مشاهده‌گر منفعل رخدادها، بهتر عمل می‌-

کند. و بالاخره اتخاذ تصمیم در سازمان‌دهی عمودی در شرایط اضطراری- به عنوان نمونه لحظه‌ی قیام- به مراتب از سازمان‌دهی افقی کارآتر و موثرتر است.

8- خطای فاحشی است هر آینه بوروکراتیزه شدن احزاب و جنبش‌ها را از وجود نهادهای مرکزی و هماهنگی آن‌ها استنتاج کرد. بدون درک اهمیت تمرکز و هماهنگی در سازمان‌دهی در پیکار سیاسی، تسلط هژمونی سیاسی- فرهنگی نظام مسلط نادیده گرفته می‌شود و شرایط مساعدی برای نهادینه شدن آن فراهم می‌سازد. ضدیت با نهادهای هماهنگی البته به ستایش از خودبه‌خودی نیاز دارد و از "آگاهی متعارف" فضیلت می‌سازد. این روایت در بهترین حالت برای حل معضل بوروکراتیسم به تدابیر حقوقی - تشکیلاتی رو می‌آورد و درک روشنی از جنبه سیاسی مساله به دست نمی‌دهد.

9- تبیین نادرست از خطر بوروکراسی نزد ستایش‌گران سازمان‌دهی افقی، تحت هیچ شرایطی نباید به کاهش خطر بوروکراسی منجر شود. این آفت و بیماری هر نوع سازمان‌یابی را مورد تهدید قرار می‌دهد، معهذایگانه راه درست در مقابله با آن، همانا فعال ماندن اعضای تشکیل دهنده‌ی یک تجمع است. بدون فعالیت خلاق اعضای یک تجمع، نه تنها خطر بوروکراسی، بلکه اضمحلال آن به یک امر واقعی تبدیل می‌شود.

10- بیان فعالیت مخالفان افراطی نوع سازمان‌دهی متمرکز و نهاد هماهنگ‌کننده، مخصوصاً در تجربه‌ی عملی پاره‌ای از نهادهایی که سازمان‌دهی افقی را تجربه کردند و آن را پایان تاریخ می‌نگریستند نشان می‌دهد که آن‌ها خود از یک منش معین سازمان‌یابی پیروی کرده و نوعی "استبداد بی ساختاری" را نمایندگی می‌کنند. نهادهای که در خفا، بنا به مناسبات شخصی و غیر پاسخگو شکل می‌گرفتند و دولت سایه به شمار می‌رفتند.

11- مختصات یک ساختار دموکراتیک عبارتند از:

الف- تفویض نمایندگی به شیوه‌ی دموکراتیک به افراد به خصوص برای انجام وظائف مشخص، و پاسخگو کردن آنان در برابر اتوریته جمع؛

ب- توزیع هر چه بیش‌تر قدرت در بین افراد، و گردشی بودن وظائف بین افراد؛

ج- تقسیم وظایف برحسب معیارهای عقلانی و کارایی؛

د- اطلاع رسانی پی در پی به همه‌ی افراد و دسترسی برابر به منابع برای همه.

با کاربست این تدابیر دلیلی وجود ندارد که ساختارهای عمودی ذاتاً و ضرورتاً به جدایی نهاد نمایندگی از بدنه آن بیانجامد.

\* دیوید هاروی درباره مدافعان و مختصات فکری آنها می‌گوید:

" گروه پرشمار دیگر اپوزیسیون از آنارشیست‌ها، اتونومیست‌ها و سازمان‌های محلی (جی آر او) ها هستند که بودجه‌ی کمی موسسات را رد می‌کنند، هرچند که برخی از آنها به نهادهایی همچون کلیسا متصل اند (برای مثال کلیسای کاتولیک که به ابتکار تاسیس انجمن‌های پایه‌ای در آمریکای لاتین دست زد و یا حمایت گسترده‌تر این کلیسا از جنبش‌های سیاسی در داخل شهرهای آمریکا). این گروه از سازمان‌ها یکدست نیستند. (در واقع آنها بین خود مشاجره‌ی سختی دارند، برای مثال آنارشیست‌های اجتماعی در برابر آن‌هایی که طرفداران "روش زندگی"، نامیده می‌شوند برخورد خشنی داشته‌اند). به هر حال در بین آنها انزجار مشترکی نسبت به مذاکره با قدرت حکومتی وجود دارد و بر این تاکید دارند که جوامع مدنی، مرکزی هستند که تغییر می‌تواند در آنجا به وقوع پیوندد. به نظر آنها، نیروهای خودسازمانده مردم در موقعیت‌های روزانه‌ای که در آن زندگی می‌کنند باید اساس هر بدیل ضدسرمایه‌داری باشد و به همین دلیل، شبکه‌ی افقی، مدل سازمانی مطلوب آنهاست. اقتصاد مورد نظر آنها اقتصادی ست که به آن "اقتصاد همبستگی" می‌گویند. اساس این اقتصاد، بر مبادله‌ی تهاتری، و نظام تولید تعاونی و محلی است. آنها معمولاً مخالف ایده‌ی امکان‌ضرورت وجودی هر گرداننده‌ی مرکزی هستند و روابط سلسله‌مراتبی اجتماعی و یا سیاسی همراه با احزاب سیاسی عرفی را رد می‌کنند."